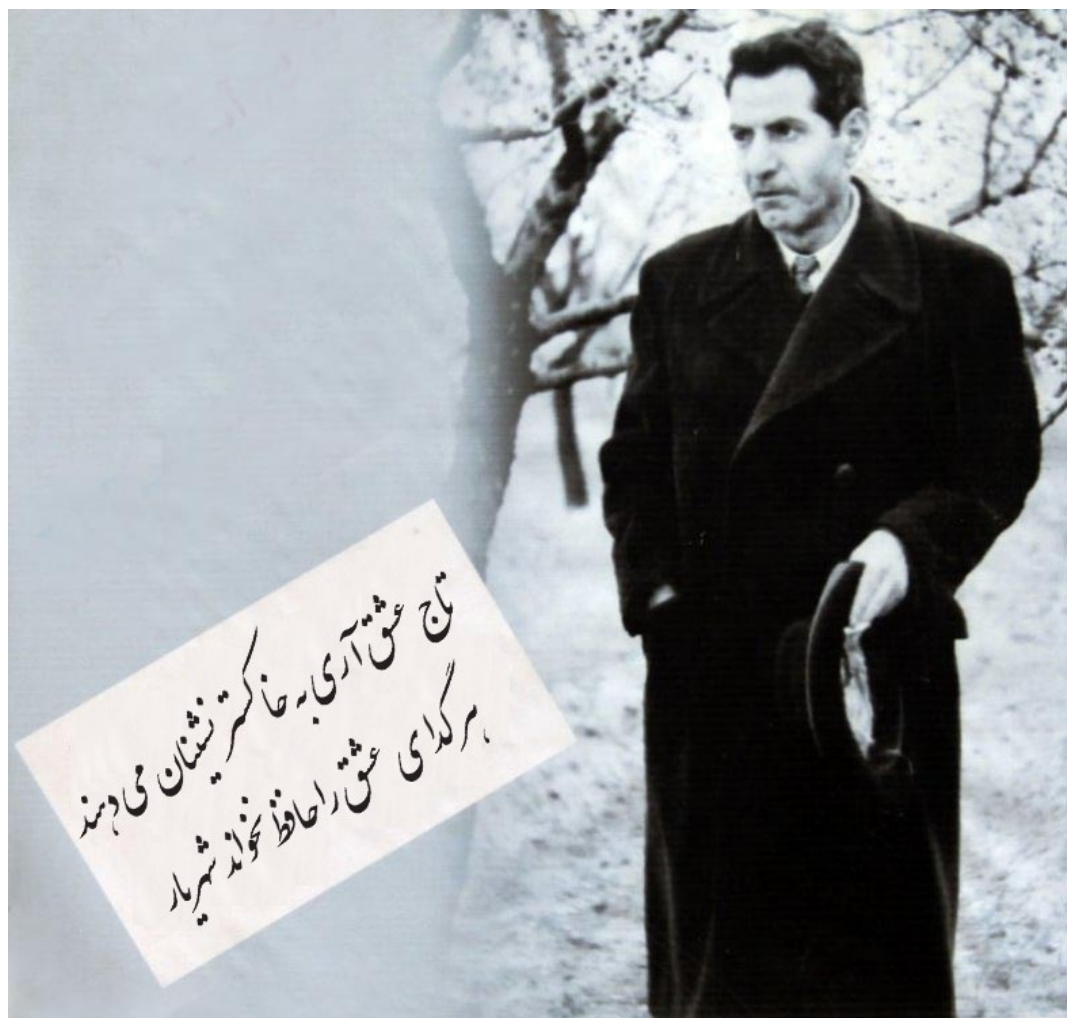


پنج بُتی که شهریار شکسته+آخرین شعر

۳ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۰۱

شهریار، مردی که فقط ۶ ماه تا گرفتن مدرک پزشکی خود فاصله داشت، در نهایت به دلیل سوز عشقی زمینی؛ ادامه تحصیلات در طبابت را رها کرد و به شاعری روی آورد، او که ۸۳ سال عمر کرد در طول زندگیش و به گفته خویش پنج بُت را شکست.

۲۷ شهریور مصادف با بیست و هفتمین سالگرد وفات سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار است، مردی که شاعری را به پزشکی ترجیح داد و شعر «علی ای همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» به فارسی و «حیدر بابایه سلام» (به معنی سلام بر حیدر بابا) به زبان ترکی آذربایجانی‌اش چنان شهرتی گرفت که اگر شهریار پزشک حاذقی نیز می‌شد بعید به نظر می‌رسید هنر دست‌هایش در طبابت همچون کلام شعرش معروف می‌گردید.



شهریار در یکی از مصاحبه تلویزیونی خود از ۵ بُت در خود یاد کرده بود که طی سال‌های مدیدی توانسته بود از این بُت‌ها رها شود، او این بُت‌ها را اینگونه توصیف کرده بود: عشقی سوزناک و زمینی به مدت ۱۵ سال، مواد مخدر، صوفی‌گری و درویش مسلکی، تار زدن و رفاقت با برخی روشنفکران که در نهایت با روی آوردن به سوی عرفان واقعی و ناب اهل بیت (ع) توانسته بود جانی دیگر بگیرد.

بیوگرافی سراینده «علی ای همای رحمت»

سید محمدحسین بهجت تبریزی به سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. دوران طفولیت خود را در روستای مادری قایش قورشاق و روستای پدری خشک‌ناب در بخش قره‌چمن آذربایجان ایران سپری کرد. پدرش حاج میر آقا خشک‌نابی نام داشت که در تبریز وکیل بود. پس از پایان سیکل اول متوسطه در تبریز در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون (تا ۱۳۰۳) و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. حدود ۶ ماه پیش از گرفتن مدرک دکتری «به علل عشقی و ناراحتی خیال و پیش‌آمدهای دیگر» ترک تحصیل کرد.

پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، شهریار به تهران بازگشت و به سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. بعدها دانشگاه تبریز وی را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان استاد افتخاری دانشکده ادبیات تبریز را نیز به وی اعطا کرد.

آخرین شعر شهریار

یک غزل ناتمام، "مطلع و بیت دوم" از استاد
محمد حسین شهریار

تعقیب غزل از اکبر مدرس "شیوا"



آخر چه شد که حلقه بر این در نمی زنند
دیگر به بام خانه ما پر نمی زنند
شهریار

یاران چرا به خانه ما سر نمی زنند
دائم پرنده اند به هر بام و بر ولی

سنگی از آن به شاخه بی پر نمی زنند
دستی به کار مضطر بی زر نمی زنند
سر بر من فتاده به بستر نمی زنند
تیر نگه به قلب مکدر نمی زنند
چنگی چو من بزلف معنبر نمی زنند
مردان ز پشت حربه و خنجر نمی زنند
الدوده پیش مهر منور نمی زنند
دزدان راد ره به قلندر نمی زنند
یارب چه شد که حد به ستمگر نمی زنند
کاندر حیات سر به هنرور نمی زنند
آسوده باش حلقه به در گر نمی زنند

پنداشتند همچو درختی تکیده ام
چرخد نظام کار به دوران به سیم و زر
یارب چه شد گروه طیبیان شهر ما
یاران چرا که لاله عذاران روزگار
دستی برم بزلف سمن سا که عاشقان
بر مدعی یگو که ستیزد ز رو به رو
با من مجنگ جان برادر که عاقلان
من رندم و قلندر و مفلس در این دیار
جور و ستم گرفته سراسر جهان ما
مردم دریغ مرده پرستند شهریار
شیوا ترا چه غم که نه بامست و نه دری

د. فرخ الدین طلوعی شاعر معاصر عراقی نیز دو بیت در همین مضمون دارد که سال ۱۳۴۰ در صفحه ۵۱ سلفیه فرخ، در مشهد چاپ شده است. نقل از آقای جشمید علیزاده

بر گرد آشیانه ما پر نمی زنند
اکنون چه دیده اند، که دیگر نمی زنند

یاران چرا به کلبه ما سر نمی زنند
آنان که می زدند بیا لاف دوستی

شهریار پس از انقلاب، شعرهایی در مدح جمهوری اسلامی و مسئولان آن، از جمله حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب سرود.

شهریار در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از ۸۳ سال زندگی شاعرانه پُربار و

پرافتخار در ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۷ به ملکوت اعلا پیوست، پس از مرگ در ۱۳۶۷، بنا به وصیت خود در مقبره الشعرا در تبریز دفن شد. شهریار دو دختر به نام‌های شهرزاد و مریم و یک پسر به نام هادی داشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۵۵۵/شعر-آخرین-شکسته-شهریار-تپ-ب-پنج/۲۱۵۵۵/>